

سخنان دکتر حداد عادل

معاون وزیر آموزش و پرورش  
و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بسم الله الرحمن الرحيم

هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمه وان كانوا من قبل لفى ضلال مبين.

«اوست آنکه در میان درس ناخواندگان، پیامبری هم از ایشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان فرو خواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمت آموزدشان، اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بوده باشند.»

(قرآن کریم - سوره مبارکه جمعه)

### جناب رئیس؛ هیئتهای محترم شرکت کننده

قبل از هر چیز مایلیم به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران مراتب خوشوقتی خود را از تشکیل سی و نهمین کنفرانس بین المللی تعلیم و تربیت، که فرصت مغتنمی برای تبادل تجربیات آموزشی در سطح جهانی است، ابراز دارم و از شما به عنوان رئیس کنفرانس و نیز از جناب آقای احمد مختارامبو دبیر کل محترم بونسکو، به سبب مساعی ذی قیمت ایشان در جهت بخشیدن یونسکو به سوی منافع و مصالح کشورهای جهان سوم تشکر کنم.

مهمترین و بنیادی ترین تحولی که در ۵ سال اخیر در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته، دگرگونی در بینشها و هدفها و مبانی و فلسفه آموزش و پرورش است. جمهوری اسلامی ایران، که با انقلاب اسلامی و با حرکت یک ملت به نام خدا تشکیل شده، اعتقاد به خداوند و تعالیم دینی و معنوی را همچون روحی در پیکر آموزش و پرورش خود دمیده است. عیب اصلی آموزش و پرورش ما قبل از انقلاب اسلامی این بود که طراحان و مدیران آن، افرادی بودند بیگانه با ارزشهای اسلامی و به عبارت دیگر، بیگانه با فرهنگ مردم، افرادی که از ارزشها و روشهای غربی، کورکورانه تقلید می کردند. نجات آموزش و پرورش از غریزدگی، مهمترین تحولی است که در جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است. اکنون، با انقلابی که بر یک مکتب (ایدئولوژی) مبتنی است و با برخورداری از فرهنگ اسلامی که با کتاب یعنی با قرآن آغاز شده است قصد دارد با آموزش و پرورش جدید، انسانی جدید و جامعه ای جدید به وجود آورد که مدافع ارزشهای متجلی در شعار «استقلال، آزادی» و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» باشد.

بدیهی است در راه ایجاد یک آموزش و پرورش اسلامی، مشکلات زیادی در راه ما وجود دارد. میراث شومی که از حکومت سرنگون شده سابق به جا مانده از جمله این موانع

است، حکومتی که به نحو کامل وابسته به بیگانگان و در خدمت اهداف ابرقدرتها بود و مردم کشور را در فشار دیکتاتوری و فقر و محرومیت قرار داده بود. ملت ایران هنوز هم از صدمات و زحماتی که حامیان جهانی آن حکومت برای انقلاب اسلامی فراهم می‌آوردند رهایی نیافته است. دشواری طبیعی دیگری که در راه ماست، تنوع جغرافیایی کشور و وجود انواع متفاوت زندگی شهری و روستایی و عشایری در یک سرزمین پهناور است. همچنین، کشور ما، به سبب شکاف عمیق رفاهی که میان زندگی شهری و روستایی در گذشته به وجود آمده، با مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها روبروست که این خود یک مشکل بزرگ اجتماعی ماست. از آنجا که میان آموزش ابتدایی و متوسطه و آموزش عالی ارتباط بسیار نزدیک و تعیین کننده‌ای وجود دارد، لازم است به انقلاب فرهنگی در نظام آموزش دانشگاهی کشور، پس از انقلاب اسلامی، اشاره کنم. در این انقلاب، که نباید آن را با آنچه در بعضی از کشورهای دیگر به همین نام صورت گرفته مشابه دانست، ملت ایران عزم و اراده خود را برای تغییر روشها و متحول ساختن ارزشهای تقلیدی حاکم بر نظام دانشگاهی، که ریشه بسیاری از نقایص و معایب اجتماعی و مخصوصاً بسیاری از مشکلات آموزش و پرورش است، به ظهور رسانید. این انقلاب با تعطیل مراکز آموزش عالی آغاز شد، و اکنون که دو سال از بازگشایی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی می‌گذرد، فعالیتهای وسیعی برای برنامه‌ریزی و انطباق هر چه بیشتر نظام دانشگاهی در جهت خواسته‌های ملت، که استقلال و آزادی و اسلام است، ادامه دارد.

مسیر اصلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی ما مشخص شده است. به موجب اصل سوم این قانون، دولت به تأمین «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» موظف شده و همین امر در اصل سی‌ام این قانون مورد تأکید قرار گرفته است. در حقیقت، در ایران، این مردم نیستند که مجبور به آموزش شده‌اند، چرا که مردم خود به سبب یک نیاز و میل طبیعی و فطری و به حکم تعالیم اسلامی مشتاق آموزش و پرورش‌اند، بلکه این دولت است که موظف است تمام آحاد و گروههای مردم را تحت آموزش و پرورش قرار دهد. همین اصول قانون اساسی نیز در تنظیم اهداف نهایی نظام مطلوب آموزشی کشور مورد توجه بوده است.

در حال حاضر، در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، یک دوره یکساله آمادگی قبل از دبستان، یک دوره پنجساله دبستان، یک دوره سه ساله راهنمایی، و یک دوره چهار ساله دبیرستان وجود دارد. دوره دبیرستان خود به دو بخش نظری و فنی - حرفه‌ای تقسیم می‌شود. مراکزی برای تربیت معلم مدارس ابتدایی و راهنمایی نیز وجود دارد که توسط وزارت آموزش

و پرورش اداره می‌شود.

تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدائی، در سال تحصیلی گذشته، شش میلیون نفر بوده که از این رقم نزدیک به ۶۰٪ را پسران و ۴۰٪ را دختران تشکیل می‌داده‌اند. در حال حاضر، ۸۰٪ کودکان ۶ ساله تحت پوشش آموزش ابتدایی قرار دارند. تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهرها با تعداد آنان در روستاها برابر است.

در پنج سال اخیر، ما توانسته‌ایم با ساختن مدرسه‌های جدید، و مخصوصاً در روستاهای دورافتاده، تعداد بیشتری از کودکان را به مدرسه جذب کنیم. بسیاری از این دانش‌آموزان دخترانی بوده‌اند که اولیای آنها در رژیم سابق به دلیل آنکه آن رژیم را اخلاقاً فاسد می‌دانستند، آنها را به مدرسه نمی‌فرستادند. در سال گذشته دولت جمهوری اسلامی ایران، علیرغم آنکه در یک جنگ پرهزینه دزگیر بود، مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار صرف توزیع لوازم تحصیلی رایگان میان دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مناطق روستایی کرد.

از جمله نوآوریهای مهم دیگر ما در آموزش ابتدایی، تغییر بنیادی کتابهای ریاضی، علوم اجتماعی، و هنر در این دوره بوده است. برای آموزش برنامه جدید ریاضی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر معلم تحت آموزش ضمن خدمت قرار گرفته‌اند تا از روشهای جدید آموزش ریاضی آگاه شوند.

جمهوری اسلامی ایران به آموزش و پرورش دوره ابتدایی به عنوان دوره‌ای سرنوشت‌ساز در ساختن جامعه آینده و فرصت مناسبی برای تأمین عدالت اجتماعی می‌نگرد و به تعقیب مسائل اساسی آن، که خوشبختانه سی و نهمین اجلاس کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت بدان اختصاص یافته، علاقه‌ای تام دارد.

از آنجا که بحث در باره همه مسائل این دوره به وقت بیشتری نیازمند است، مناسب به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران دیدگاههای خود را در چارچوب سؤالات چهارگانه مطروحه در پاراگراف شماره ۷۲ مقاله‌ای که به عنوان مبدأ «بجتهای جلسه عمومی» عرضه شده بیان کند.

اولین پرسشی که در این بخش از مقاله آمده چنین است:

بر اساس تجارب دولتهای عضو، چه اهدافی باید برای سیاستهای آموزشی معین شود تا دسترسی همه افراد به آموزش و امکانات آموزشی به نحو متساوی تضمین گردد؟ بر این اساس، مناسبترین اقدام قانونی که صورت گرفته یا قرار است صورت پذیرد چیست؟

در جواب این پرسش باید گفت که اهداف و سیاستهای آموزشی از اهداف سیاستهای

کلی حکومتها جدا نیست و علت اصلی محرومیت بسیاری از اقشار مردم از آموزش و پرورش مناسب، مخصوصاً در بعضی از کشورهای جهان سوم، این است که حکومت‌های این کشورها برخاسته از مردم و متکی بر مردم نیستند و در نتیجه علاقه و اهمیتی نیز به تعمیم آموزش و پرورش برای همه اقشار و مخصوصاً قشرهای مستضعف ندارند.

از جمله اقدامات قانونی که پس از انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران برای رفع تبعیض و گشودن راه دسترسی عموم مردم به آموزش صورت گرفته، تعطیل مدارس انتفاعی خصوصی بوده است. اشکال اصلی این مدارس این بود که با امکانات مادی زیاد، موفق به جذب و استخدام بهترین معلمان آموزش و پرورش می‌شدند و با اختصاص دادن و متمرکز ساختن این نیروها در خود، عملاً هرگونه رقابتی را با خود غیرممکن می‌ساختند و تقریباً همه امتیازات آموزش عالی را نیز به خود اختصاص می‌دادند.

اقدام دیگری که در این زمینه صورت گرفته این است که چون دانشگاه‌ها ظرفیت کافی برای پذیرش کلیه داوطلبان فارغ‌التحصیل دبیرستانها ندارند، دولت به موجب قانون، برای مناطق مختلف کشور و مخصوصاً برای استانهای محروم، سهمیه خاصی در ظرفیت دانشگاهها معین کرده است تا بتواند به سوی یک حالت تعادل آموزشی در کل جامعه حرکت کند. همچنین، وزارت آموزش و پرورش در جذب نیروی انسانی اولویت را به مناطق دورافتاده و محروم داده و برای معلمان این گونه مناطق امتیازات مختلفی در نظر گرفته است.

در قسمت دوم این پرسش مطرح شده است که:

«چه قدم‌های مشخصی برداشته شده یا برداشته خواهد شد تا تعمیم آموزش و پرورش را برای همگان و مخصوصاً به نفع زنان و اقشار خاصی از مردم که تاکنون محروم بوده‌اند، به نحوی مؤثر ممکن سازد؟»

در پاسخ به این سؤال، نکته قابل توجه این است که هنگامی که سخن از اقشار محروم به میان می‌آید، نباید صرفاً کودکان استثنایی و یا اطفال معلول را در نظر آورد. در بسیاری از کشورهای جهان، قشرهای کم‌درآمد، که معمولاً به دلیل کثرت جمعیتشان استثنایی نامیده نمی‌شوند، از آموزش مناسب محروم‌اند. به نظر ما، دولتها باید سهم بیشتری از منابع مالی و امکانات خود را به اقشار کم‌درآمد اختصاص دهند. بدین منظور لازم است لااقل بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش مدارس اقشار مرفه توسط اولیای دانش‌آموزان همان مدارس تأمین شود. این امر باید به نحوی صورت گیرد که، با توجه به آنچه در پاسخ سؤال اول گفتیم، سبب نابرابری و متمرکز شدن امکانات آموزشی در مدارس اقشار مرفه نگردد. برای تأمین بخشی از

هزینه‌های مورد نظر، می‌توان از همکاری انجمنهای اولیاء و مربیان به نحو مؤثری استفاده کرد، و این تجربه‌ای است که هم‌اکنون در جمهوری اسلامی ایران به نحو وسیعی صورت می‌گیرد و در نتیجه آن، دولت می‌تواند برای جبران محرومیت اقشار محروم، در تأمین نیازهای آموزشی آنان، قدمهای بیشتری بردارد.

در خصوص آموزش و پرورش زنان، همه کوششها باید صرف شود تا زنان در آینده از فرهنگی والا و آموزشی کافی برای تخصصهای مناسب برخوردار شوند. در جمهوری اسلامی ایران، با آنکه هیچ قانونی برای جلوگیری از تحصیل زنان در رشته‌های مورد علاقه آنان وجود ندارد، سعی بر آن است که در این امر، از تقلید از کشورهای غربی خودداری شود. در آموزش به زنان نباید دیدگاهها و ارزشهای فرهنگی خاص کشورها مورد غفلت قرار گیرد، و مخصوصاً اهمیت خانواده و نقش و وظیفه زن در آن نباید فراموش شود.

جای تأسف است که با همه اهمیتی که عملکرد زن در خانواده از نظر تربیتی و اقتصادی و بهداشتی دارد، در بسیاری از کشورها، در آموزشهای فنی و حرفه‌ای به زنان، این گونه مهارتها و آموزشهای لازم برای زنان را هرگز در ردیف آموزشهای فنی و حرفه‌ای به حساب نمی‌آورند.

گروه دیگری که بخصوص در تعمیم آموزش ابتدایی باید مورد توجه قرار گیرند کودکان معلول و عقب‌افتاده ذهنی هستند. کشور ما، علاوه بر دلایل طبیعی و مشترک میان همه کشورها، به دلیل جنگی که اکنون بیش از چهار سال است بر آن تحمیل شده، در آموزش و پرورش این گونه کودکان دارای مسائل خاصی است که باید برای حل آنها از تجارب سایر کشورها استفاده کند. در پنج سال اخیر، تعداد مدارس کودکان استثنایی در ایران به دو برابر افزایش یافته و کوششهایی صورت گرفته است تا برای این گونه کودکان که در اثر حملات موشکی و هوایی به شهرها معلول شده‌اند، برنامه آموزشی خاصی تدوین شود که حتی الامکان از آغاز با آموزشهای فنی و حرفه‌ای مناسب همراه باشد. توصیه مناسب در زمینه آموزش این گونه دانش‌آموزان این است که دولتها می‌توانند قسمتی از بار سنگین هزینه و مدیریت مدارس آنان را به عهده افراد نیکوکاری و اگذارند که خود داوطلبانه علاقه‌مند به این گونه خدمات هستند، چنانکه کشور ما، اخیراً یک مؤسسه ملی برای کمک به آموزش و پرورش کودکان استثنایی تأسیس کرده و در ماه گذشته، نیز یک کنفرانس بزرگ برای بررسی مسائل مبتلا به این کودکان تشکیل داده است. سؤال سومی که بررسی آن مورد تأکید قرار گرفته این است که:

«چه اقداماتی باید صورت گیرد تا با استفاده از منابع مالی و انسانی و تجهیزات آموزشی،

به مناسبترین وجه، تعمیم آموزش برای همگان تضمین گردد؟»

برای آنکه حداکثر استفاده از نیروی انسانی در جهت تعلیم و تربیت به عمل آید، جمهوری اسلامی با اجرای طرحی به نام «معلمیاری» بخشی از دانش‌آموزان دبیرستانی خود را تحت آموزشهای خاص معلمی قرار داده و آنان را برای کمک به معلمان مدارس ابتدایی و نیز با هدف کسب تجربه برای آینده، هفته‌ای یک روز به کلاسهای این مدارس گسیل داشته است. در خصوص تجهیزات آموزشی، سعی بر آن است که از خرید وسایل آموزشی لوکس از کشورهای خارجی خودداری شود، و حتی الامکان، با تشویق معلمان که علاقه به طراحی و ساخت وسایل کمک آموزشی دارند، این وسایل در داخل کشور به صورتی ساده و ارزان به مقدار زیاد تولید گردد. توصیه ما به کشورهای جهان سوم این است که مراقب باشند سوداگران کشورهای صنعتی، از طریق وسایل آموزشی لوکس و گرانبه، دامن اقتصادی تازه‌ای برای آنان بپهن نکنند.

آخرین سؤال مطرح شده این است که:

«در زمینه آموزش برای همه، چه تدابیر و شیوه‌هایی باید اتخاذ شود تا رابطه‌ای کارآمد میان آموزشهای رسمی و غیررسمی، در جهت نیل به اهداف و استفاده معقول از منابع و فعالیتهای آموزشی، ایجاد شود؟»

تجربه ذی‌قیمتی که جمهوری اسلامی ایران بدان دست یافته استفاده از وسایل و تجهیزات موجود در خارج از مدرسه و بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص خارج از مدرسه برای آموزش است. این تجربه که از طریق ایجاد رابطه‌ای قوی میان مدرسه و محیط خارج و به اصطلاح با شکستن دیوار میان مدرسه و محیط خارج به دست آمده است، در ایران به طرح «کاد» موسوم شده که به دو کلمه «کار» و «دانش» اشاره دارد. بر اساس این طرح، دانش‌آموزان رشته‌های غیر فنی - حرفه‌ای، هفته‌ای یک روز در خارج از مدرسه در کارخانجات و کارگاهها و مؤسسات و مزارع متعلق به مردم و یا دولت با نظارت و هدایت وزارت آموزش و پرورش کارآموزی می‌کنند.

از جمله تدابیر دیگر، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور است. در این دانشگاهها، آنچه ملاک انتخاب استاد و دانشجوست صرفاً توانایی علمی و شوق به فراگیری است. این آزادی از قید مدرک تحصیلی، سبب گسترش علم به نحو امیدوارکننده‌ای در کنار دانشگاههای رسمی شده است، چنانکه ما توانسته‌ایم بخشی از نیاز خود را به معلم زبان عربی، که تدریس آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در کلیه مدارس راهنمایی و دبیرستانها و دانشگاهها، حتی در رشته‌های فنی و مهندسی نیز الزامی شده است، از این طریق تأمین کنیم.

وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون می‌توانند در ایجاد رابطه میان آموزشهای رسمی و غیررسمی نقشی مهم داشته باشند. مایه تأسف بسیار است که تلویزیون در بسیاری از کشورها، مخصوصاً در کشورهای اسلامی، وسیله‌ای برای نمایش فیلمهای مبتذل غربی و برنامه‌هایی نظیر آن شده و جنبه استفاده تجارتمندی برای جلب مشتری برای سرمایه‌داران داخلی خارجی پیدا کرده است. در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی و بنیانگذار جمهوری اسلامی، فرمودند: «تلویزیون باید به صورت یک دانشگاه عمومی درآید». این رهنمود، در طول سالهای گذشته، رادیو و تلویزیون را به صورتی مفید و مؤثر در کنار آموزشهای رسمی وزارت آموزش و پرورش قرار داده است.

آخرین نکته‌ای که لازم است در این مورد بدان اشاره شود استفاده از ظرفیت و نیروی عظیم مساجد و حوزه‌های سنتی آموزش علوم دینی در کشورهای اسلامی است. هم‌اکنون، در کشور ما، این مراکز روز به روز قوت و گسترش بیشتری می‌یابند و با نزدیکی و اتحاد با دانشگاهها و مدارس هم خود تقویت می‌شوند و هم روشهای مفید خود را به آنها انتقال می‌دهند. تا کنون، جمهوری اسلامی ایران از مساجد برای مبارزه با بیسوادی و نیز برای تعلیم بسیاری از آموزشهای اجتماعی لازم برای بزرگسالان استفاده فراوان کرده است.

جناب رئیس، هیئتهای محترم نمایندگی، برگزارای این کنفرانس فرصت مناسبی است تا جمهوری اسلامی ایران به یکی از تنگناها و مشکلات آموزشی خود که احتمالاً مشکل کشورهای مشابه نیز هست اشاره کند. از جمله مشکلات مادر زمینه آموزش ابتدایی، یکی تامین معلم برای مدارس روستاهای دور افتاده است. در ایران، چندین هزار روستا وجود دارد که جمعیت آنها کمتر از صد نفر و فاصله آنها تا شهر و روستای دیگر بسیار دور و غالباً صععب العبور است. طبیعی است که معلمان اعزامی به این روستاها، خود، اهل آن روستاها نیستند. این معلمان برای زندگی در این روستاها با دشواریهای زیادی روبرو می‌شوند و غالباً خواهان بازگشت به مناطق بومی خود هستند. مخصوصاً زندگی برای معلمان زن در این روستاها بسیار سخت است و کمبود معلم زن با توجه به عدم علاقه مردم به اینکه دخترانشان معلم مرد داشته باشند، به نوبه خود، موجب کاهش دانش‌آموزان دختر می‌شود. آموزش کودکان متعلق به عشایر نیز به دلیل تحرک مداوم و غیر منظم عشایر دارای مشکلات بسیاری است. بنابراین، به نظر می‌رسد برای حل این مشکلات، باید راههای کلاسیک تربیت معلم را کنار گذاشت و این کاری است که ما هم اکنون آغاز کرده‌ایم.



جناب رئیس، هیئتهای محترم نمایندگی

بجاست که در پایان سخن، حضور وزیران و مسئولین آموزش و پرورش کشورهای مختلف را در این کنفرانس معتنم شمرده اعلام کنیم که مسائل آموزشی کشورها از مسائل کلی‌تر سیاسی و اقتصادی جدا نیست، و این مسائل نیز مستقیماً با مسائل بین‌المللی و بحرانهای جهانی عصر ما ارتباط دارد. جدا ساختن مسائل آموزشی از مسائل جهانی یک انتزاع غیر واقعی است. مادام که روند سلطه‌گری استکبار جهانی تغییر نکند، و یا به همت مردم مبارز و آزادیخواه جهان متوقف نشده باشد، استثمارگران آموزش و پرورش کشورهای محروم را نیز زیر سلطه خواهند داشت و از آن برای ترویج اندیشه‌های مطلوب خود در میان نسل جوان و تامین بازار فروش محصولات خویش استفاده خواهند کرد.

برگزاری این کنفرانس فرصت مناسبی است تا ما وجدان همه هیئتهای نمایندگی را مخاطب قرار دهیم و خواهان آن شویم که در عین حال که در اندیشه بهبودی وضع تحصیلی اطفال میهن خویش هستیم، به حکم ارزشهای عالی انسانی، کودکان فلسطینی را که سرزمین آنها به غصب صهیونیسم اشغالگر و حامیان جهانی آن درآمده، و نیز دانش‌آموزان جنوب لبنان را که قربانی مطامع صهیونیسم و امپریالیسم و سکوت بسیاری از حکومتها دور و نزدیک شده‌اند، و همچنین کودکان افغانی را که دهها هزار نفر از آنان سالهاست به صورت پناهنده میهمان جمهوری اسلامی ایران هستند، فراموش نکنیم و تصمیم بگیریم هدف خود را در آموزش و پرورش کشورهای خود، در درجه اول، تربیت نسلی قرار دهیم که دشمن آشنی ناپذیر سلطه‌گران جهانی و یار و یاور مظلومان و مستضعفان باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته